



درس هشتم سیاست هویت



۱. نخستین سند رسمی هویت ما چه نام دارد؟

تاجیک‌ها و عرب‌ها شناسنامه را چه می‌نامند؟

امروزه همه ما ایرانیان شناسنامه داریم. شناسنامه نخستین سند رسمی هویت ماست! این سند را تاجیک‌ها «زادنامه» و عرب‌ها «هویة» نامیده‌اند در زبان انگلیسی هم به آن «سند هویت» می‌گویند. به نظر شما، چرا به این سند شناسنامه گفته می‌شود؟

هر کس در همان نگاه اول، بدون اینکه شناسنامه را باز کند و نام و نشان صاحب آن را جویا شود، از نشان (آرم) و عبارت «جمهوری اسلامی ایران» روی جلد شناسنامه متوجه می‌شود که صاحب شناسنامه، تبعه جمهوری

اسلامی ایران است تبعه دولتی با نظام سیاسی «جمهوری» بر بنیاد «اسلامی» در قلمرو سرزمینی به نام «ایران»؛ جمهوری اسلامی بیان حاکمیت اراده مردم بر اساس ارمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است.

همه مردم ایران از هر قوم و مذهبی دارای حقوق و مسئولیت‌های برابرند؛ همه شناسنامه‌ای یک‌رنگ، یک شکل و یک اندازه دارند، و بنابراین همه، اعم از زن و مرد، خردسال و بزرگسال، فقیر و غنی، بی‌سواد و باسواد، در هویت ملی مشترک‌اند و می‌توانند هم‌آوا با فردوسی بگویند: «همه جای ایران سرای من است». همچنین موظف‌اند از کشور ایران پاسداری کنند و برای استقلال، آزادی و آبادی آن بکوشند.

منظور از جمهوری اسلامی چیست؟

در صفحه نخست شناسنامه آمده است: «شناسنامه سند هویت شماست؛ برای حفظ حقوق خود به دقت از

آن نگهداری کنید» که نشان می‌دهد دولت، هویت فرد فرد ایرانیان و حقوق و مسئولیت آنها را به رسمیت

می‌شناسد همچنین نوشته شده است: «هرگونه تغییر و تحریف در شناسنامه یا سوءاستفاده از آن جرم است و

مجرم تحت تعقیب قانونی قرار می‌گیرد»؛ یعنی نمی‌توان خودسرانه و به دلخواه خویش در این سند هویت دست

برد و آن را تغییر داد.

چرا تغییر و تحریف شناسنامه جرم محسوب می‌شود؟

در صفحه نخست شناسنامه، شماره ملی ده رقمی فرد ثبت شده است که نشانگر جنبه اختصاصی سند هویت

جمله‌ی «شناسنامه سند هویت شماست» که در اول صفحه شناسنامه نوشته شده، نشانه چیست؟

از روی روی عکس فرد در صفحه نخست شناسنامه به چه اطلاعاتی می‌توان دست یافت؟ محسوب می‌شود. در این صفحه عکس افراد چاپ شده است؛ این عکس اگر چه ظاهراً عکس فرد خاصی است، اما به دید عمیق‌تر و وسیع‌تر هویت جنسی، خانوادگی، سنی، نژادی و فرهنگی فرد را نیز می‌تواند آشکار کند نام و نام‌خانوادگی، آقا یا خانم بودن، محل تولد و زمان تولد که به دو تاریخ هجری شمسی و هجری قمری نوشته شده نیز ابعاد دیگری از هویت ما را آشکار می‌کند. به همین روال صفحات دیگر شناسنامه ابعاد دیگری از هویت ایرانی را بازنمایی می‌کند. آیا می‌توانید دلالت‌های آنها را رمزگشایی کنید؟ آیا اسناد هویتی دیگری را می‌شناسید؟

زمان تولد ما در صفحه نخست شناسنامه به چند تاریخ نوشته می‌شود؟



■ نمونه‌ای از یک شناسنامه قدیمی بعد از تشکیل اداره سجل‌احوال، اولین شناسنامه در ایران به شماره ۱ در تاریخ ۳ دی‌ماه ۱۲۹۷ ه. ش به‌نام فاطمه ایرانی صادر شد.

■ گذرنامه یک ایرانی در دوره قاجار

با ظهور دولت‌های مدرن، دولت‌ها خود را چگونه معرفی می‌کردند؟
تأکید دولت‌های مدرن بر هویت تاریخی، جغرافیایی، قومی و نژادی باعث ایجاد چه تغییراتی شد؟

چرا دولت-ملت‌های جدید از سیاست همانندسازی استفاده نمودند؟

تنازع هویت‌ها: وحدت یا کثرت هویت‌ها

شهریور ۱۴۰۲

در سال گذشته آموختید که با ظهور جهان متحد، دولت‌هایی شکل گرفتند که دیگر خود را با هویت دینی مسیحی نمی‌شناختند بلکه هویت خود را با توحه به تاریخ، جغرافیا، قومیت یا نژادشان تعریف می‌کردند. تأکید بر این عوامل، به پیدایش نوع جدیدی از هویت منجر شد که ملی‌گرایی و وطن‌دوستی مشخصه اصلی آن بود. با شکل‌گیری دولت - ملت‌ها، ناسیونالیسم پیدا شد و هویت از منظر دولت - ملت‌ها و توسط آنها تعریف شد. اما بیشتر کشورها دارای تنوع

دی ۱۴۰۱

قومی، نژادی، زبانی و مذهبی و... بودند. در این کشورها، گروه‌های مختلف می‌بایست در کنار هم زندگی می‌کردند. دولت‌ها در این کشورها برای تعیین هویت ملی و چگونگی توزیع مزایا و فرصت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میان اقوام و گروه‌های مختلف و همچنین پاسخ‌گویی به درخواست‌ها و رفع نیازهای آنها، ناگزیر از سیاست‌گذاری هویتی بودند. مدل رایج

سیاست‌گذاری هویتی در دورهٔ مدرن، «هماندسازی» بود. خرداد ۱۴۰۰

خرداد ۱۳۹۸ شهریور ۱۳۹۸



■ بوراکومین‌ها ژاپنی‌هایی هستند که در دوره فئودالی مورد غضب قرار گرفتند. آنها هیچ فرقی با سایرین ندارند ولی همواره مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. با نوسازی ژاپن دولت آنها را رسماً برابر با دیگران اعلام کرد. ولی هنوز هم تبعیض نسبت به آنها وجود دارد.

دی ۱۳۹۸

هماندسازی به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه بود؛ به گونه‌ای که همه گروه‌ها همسان شوند. به عبارت دیگر، هماندسازی سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آنها در پیش گرفتند.

سیاست‌گذاری هماندسازی در دوره مدرن به چه معناست؟

بخوانیم و بدانیم

نسل‌کشی، جابه‌جایی اجباری، کنترل جمعیت، جداسازی و فشارهای سخت اجتماعی از جمله روش‌های خشونت‌آمیز هماندسازی هستند. اساس این روش‌ها، نفی و طرد دیگری متفاوت است. البته در نسل‌کشی، دیگری، شری است که باید نابود شود اما در سایر روش‌ها، دیگری اگرچه شر دانسته می‌شود، امکان اصلاح او وجود دارد و با اعمال فشار می‌توان او را به پذیرش الگوهای هویتی جدید مجبور ساخت یا از بقیه جدا کرد.

در جداسازی، گروه مسلط گروه‌های نژادی، قومی، مذهبی دیگر را به زیستن در مناطقی جدا از محل سکونت گروه مسلط، مجبور می‌کند. همچنین، آنها را از تسهیلات و خدماتی مانند آموزش، بهداشت و درمان محروم می‌سازد یا این خدمات را با کیفیت بسیار پایین‌تری در اختیار آنها می‌گذارد. هماندسازی همیشه به صورت یک‌سویه و سخت و خشن انجام نمی‌شود بلکه تفاوت‌ها و تمایزات قومی، نژادی و... می‌توانند از راه دیگری نیز ناپدید شوند که برخی از جامعه‌شناسان آن را «دیگچه هماندسازی» می‌نامند که در آن تعداد کثیری از گروه‌های درگیر قومی نژادی در ارتباط با هم یک فرهنگ مختلط می‌سازند.



■ اخراج و کشتار مسلمانان میانمار موسوم به روهینگیا خرداد ۱۴۰۲



■ نسل‌کشی در کامبوج توسط خیم‌های سرخ (حزب کمونیست)



■ در جریان پاک‌سازی قومی در یوگوسلاوی سابق، هزاران مسلمان بوسنیایی جان خود را از دست دادند یا مجبور به ترک شهر و دیار خود شدند.



■ بنابه گزارشات کمیته ویژه سازمان ملل، آنچه در غزه اتفاق افتاد (جنگ تجاوزکارانه رژیم غاصب صهیونیستی)، با ویژگی‌های نسل‌کشی، تلفات گسترده غیر نظامیان و شرایط تهدید کننده جانی که عمداً بر فلسطینیان تحمیل شده است، مطابقت دارد.

شهریور ۱۴۰۰

در دورهٔ پسامدرن، همهٔ آنچه در دورهٔ مدرن پدید آمده بود - از جمله سیاست همانندسازی هويت - مورد نقد قرار گرفت و به جای آن، هويت‌های خرد، محلی و فردی مورد تأکید و توجه قرار گرفت. در این دوره، تکرر، تنوع و حتی بی‌ثباتی و تغییرات مداوم هويت‌ها، مطلوب دانسته شد و هويت ملی و وحدت و ثبات و استمرار همراه با آن، نامطلوب پنداشته شد.

دی ۱۴۰۱

اندیشمندان اجتماعی معتقدند که «سیاستِ هويت» متعلق به این دوره است که هويت‌ها موضوعی برای نزاع و درگیری می‌شوند. سیاستِ هويت، محصول دوران پسامدرن است و بر تفاوت‌ها و هويت‌های خاص و محلی تأکید می‌کند. خرداد ۱۳۹۸ شهریور ۱۳۹۸

شهریور

۱۴۰۱

خرداد

۱۴۰۰

از این رو، برخی از پیدایش سیاستِ هويت به باز شدن «جعبهٔ پاندورا» یاد می‌کنند. جعبهٔ پاندورا در اساطیر یونانی جعبه‌ای حاوی تمام بلاهاست که به دست فردی به نام پاندورا گشوده می‌شود. بر اساس این افسانهٔ یونانی، با باز شدن این جعبه ناگهان همهٔ پلیدی‌ها و شرها، رها و به سوی زمین سرازیر شدند، بدی‌ها در جهان پراکنده شدند و با خوبی‌ها درآمیختند؛ به طوری که دیگر تشخیص و تمیز آنها از یکدیگر ممکن نبود و رنج و بیماری، پیری و مرگ، دروغ، دزدی و جنایت که قبل از آن وجود نداشت گسترش یافت.

در اواخر قرن بیستم، هويت به جای قشربندی و کشمکش طبقاتی، محور اصلی مباحثات فکری و علت نام‌گذاری «جعبه پاندورا» بر سیاستِ هويت در دوران پسامدرن چیست؟ چرا اندیشمندان اجتماعی معتقدند که سیاستِ هويت، محصول دوران پسامدرن است؟

خرداد ۱۴۰۲

سیاسی شد. در دوره پسادرن، هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف و توسط آنها، تعریف

می‌شود. در این دوره، افراد، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر اساس علاقه‌های فرهنگی

و هویتی خود پی می‌گیرند، علاوه بر ثروت و قدرت، هویت و دانش نیز کانون نزاع و کشمکش

می‌شوند. در همه این عرصه‌ها، سیاست هویت ایجاد می‌شود و تنازع و درگیری افزایش می‌یابد.

امروزه، جهانی شدن و توسعه ارتباطات، از سوی زمنه شکل‌گیری جهانی بدون مرز را فراهم

کرده است که در آن، درهم‌آمختن فرهنگ‌ها موح می‌شود که فرهنگ‌ها دیگر کاملاً خالص

و ثابت نمانند و هویت‌ها به شدت دستخوش تعبیر شوند. از سوی دیگر، بسیاری از جوامع

و گروه‌ها، به دفاع از خود برخاسته‌اند و با ساختن هویتی خاص برای خود با بازگشت به

هویت واقعی خویش، در برابر هویتی که فرایند جهانی شدن به آنها تحمیل می‌کند، مقاومت

می‌کنند و خواهان رهایی از این هویت تحمیلی هستند. جنبش‌های سبک زندگی، زنان،

آفریقایی-آمریکایی‌ها، آسیایی تبارها، جوانان، اقلیت‌های قومی، مذهبی و جنبش زیست‌محیطی-

نمونه‌هایی از این اعتراض‌ها و مقاومت‌ها هستند.

در چنین شرایطی، مدل «تکثرگرا» به جای مدل همانندسازی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد.

در مدل تکثرگرا، تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی حفظ و حتی تشدید می‌گردد.

البته در این الگو، همچنان وجود یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی ضروری دانسته می‌شود؛

که گروه‌های مختلف را به یکدیگر پیوند دهد.

چند نمونه از اعتراضاتی که علیه فرایند جهانی شدن بر هویت جوامع شکل گرفته را نام ببرید.



■ درون بسیاری از جوامع صنعتی، تقسیم بندی‌های نژادی و قومی وجود دارد؛ جدایی فرانسوی زبانان ایالت کبک از انگلیسی زبان‌ها در کانادا و کشمکش میان فلامان‌ها و والون‌ها در بلژیک.

در مدل تکثرگرا به چه مواردی اهمیت داده می‌شود؟

بخوانیم و بدانیم

در مدل تکثرگرا گاهی بعد فرهنگی هویت و تمایزات زبانی، قومی، مذهبی و... مورد تأکید قرار

می‌گیرند و گاهی به بعد سیاسی هویت توجه می‌شود و بر آزادی‌های اجتماعی اقوام و گروه‌های

مختلف و فرصت سهیم شدن آنها در قدرت سیاسی تأکید می‌شود و یاراهکارهای مسالمت‌آمیز

برای حل منازعات گروهی و قومی ارائه می‌گردد. گسترش برابری و رفع تبعیض‌های قومی و

گروهی نیز در بعد اجتماعی هویت مورد توجه قرار می‌گیرد.

شهریور
۱۳۹۹
خرداد
۱۴۰۳

خرداد
۱۳۹۹
دی
۱۳۹۸

خرداد
۱۳۹۸

سیاست هويت می‌تواند دو چهره پیدا کند: با به صورت افراطی بر تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها تأکید می‌کند و سبب چندبارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع می‌شود و با گروه‌های به حاشیه رانده شده را به رسمیت می‌شناسد و از آنان حمایت می‌کند.



■ جشن سال نوی چینی همراه با نمایش‌ها و تزیین‌هایش فقط رویدادی نمایشی نیست که هر سال در آمریکا برگزار می‌شود بلکه نماد تداوم و پیوستگی فرهنگی چینی‌ها در امریکاست.

■ کوکلاکس کِلَن نام سازمان‌های همبسته‌ای در ایالات متحده امریکا در گذشته و امروز است که پشتیبان برتری نژاد سفید است.

مقایسه کنید

تاکنون با دو مدل سیاست‌گذاری هویتی آشنا شدید. این دو مدل را مقایسه و ارزیابی کنید. به نظر شما، هر کدام از این دو مدل چگونه به منازعه‌های هویتی دامنی می‌زنند و چگونه برای حل این منازعات اقدام می‌کنند؟

الگوی تعارف در مقابل کدام الگوها قرار گرفته است؟

تعارف هویت‌ها: وحدت و کثرت هویت‌ها

خرداد ۱۴۰۰

شناخت متقابل هویت‌ها با «الگوی تعارف» در مقابل دو الگوی همانندسازی و تکثرگرا قرار

می‌گیرد و به شناخت متقابل افراد، گروه‌ها و جوامع از یکدیگر توجه دارد. درباره الگوی تعارف چه می‌دانید؟ شناخت متقابل افراد و گروه‌ها چه کمکی به آن‌ها می‌کند؟

شناخت متقابل افراد و جوامع از یکدیگر، هم به آنها کمک می‌کند که تفاوت‌های همدگر را درک کنند و به این تفاوت‌ها احترام بگذارند و هم اشتراکاتی را ایجاد می‌کند که به بهتر شدن روابطشان منجر می‌شود.

خرداد و دی ۱۳۹۹ دی ۱۴۰۰

تعارف به معنای شناخت متقابل است. «الگوی تعارف» در مقابل «الگوی تنازع» قرار دارد

و همان الگویی است که قرآن ارائه می‌کند: «أَنَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»؛ و شما را به صورت تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. سپس تأکید می‌کند که هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها، ملاک برتر دانستن خود از دیگری نیست و فقط زندگی بر اساس تقوا معیار برتری، بزرگی و بزرگواری است.

خرداد ۱۴۰۰

چرا گفته می‌شود الگوی تعارف برگرفته از الگوی قرآن است؟

۱- ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید [اینها ملاک امتیاز نیست] گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است. (سوره حجرات، آیه ۱۳)

دی ۱۴۰۰

رشد و شکوفایی جهان اسلام از قرن سوم و چهارم هجری مرهون چیست؟
الگوی مطلوب قرآنی چه رویکردی درباره تکثر و تنوع زبانی، نژادی و قومی دارد؟

الگوی مطلوب قرآنی، تکثر و تنوع زبانی، نژادی و قومی را، مانع وحدت و همدلی نمی‌داند،

بلکه انسان‌ها را به منشأ وحدت رهنمون می‌سازد؛ «و مِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

دی ۱۳۹۸ خرداد ۱۳۹۸

شهریور ۱۳۹۹ دی ۱۳۹۹

دی ۱۴۰۰ شهریور ۱۴۰۰

و اخْتِلَافِ أَلْسِنَتِكُمْ و أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ»^۱

رشد و شکوفایی جهان اسلام از قرن سوم و چهارم هجری، نیز به دلیل پیروی از این الگو

و احترامی بود که اقوام مختلف در جهان اسلام برای یکدیگر قائل بودند؛ برای جهان اسلام

به هیچ وجه نگران کننده نبود که بزرگ‌ترین دانشمند صرف و نحو زبان عربی، یک ایرانی به

نام سبویه است و مهم‌ترین حکمای جهان اسلام فارابی و ابن سینا هستند. شهریور ۱۴۰۱

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌شناسند». انسان هنگامی که در

تاریکی ناآگاهی به سر می‌برد، هر شبی را که از دور می‌بیند و هر آوازی را که می‌شنود،

نشانه حیوانی درنده و خطرناک می‌پندارد. افراد معمولاً به دیگرانی که آنها را به درستی

خرداد ۱۴۰۱

نمی‌شناسند، بدبین‌اند و از آنها دوری می‌کنند. از این رو، یکی از راه‌های ایجاد آشتی، اتحاد

و دوستی در میان گروه‌ها و ملت‌ها، شناخت متقابل است. در این میان، حکومت می‌تواند

با زمینه‌سازی برای شناخت مردم از یکدیگر در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای، بسیاری از

مشکلات را حل کند و امکان همدلی مردم با یکدیگر را فراهم آورد.^۲



چگونه حکومت می‌تواند امکان شناخت متقابل گروه‌ها و ملت‌ها را فراهم آورد؟



■ خیابان سی‌تیر تهران، خیابان صلح ادیان نیز نامیده می‌شود. در این خیابان هر روزه صدای خوش اذان از مسجد «حضرت ابراهیم» شنیده می‌شود، صدای ناقوس کلیسا در روزهای یکشنبه و نجوای عبادت‌آبادان یهودی در کنیسه در روزهای شنبه به گوش می‌رسد و زرتشتیانی که به آتشکده می‌روند.



در این خیابان مسجد، کلیسا، کنیسه و آتشکده به فواصل کوتاهی از یکدیگر قرار گرفته‌اند.

۱- و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست. در این نشانه‌هایی است برای اهل دانش (سوره روم، آیه ۲۲)

۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴، حقوق اقوام و گروه‌های مختلف و اقلیت‌های دینی و مذهبی ایران را به رسمیت شناخته و آزادی آنها را در انجام مراسم دینی، تعلیم و تربیت و احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) تضمین کرده است. در اصل ۱۵ نیز استفاده از زبان‌های محلی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و همچنین تدریس ادبیات محلی در مدارس در کنار زبان رسمی فارسی مجاز شمرده شده است.

سوفیا کوتلاکی، مردم‌شناس یونانی، در کتابی با عنوان «نظام ادب، تعارف و مفهوم وجهه در فرهنگ ایرانی» به تعارفات ایرانیان اشاره کرده است. او با انجام پژوهش میدانی، گردآوری داده‌ها و تحلیل و مقایسه آنها نتیجه می‌گیرد که این تعارفات از احترام، تواضع و صمیمیت ایرانی ناشی می‌شوند؛ یعنی ما ایرانیان هنگامی که می‌خواهیم به دیگران احترام بگذاریم به آنها تعارف می‌کنیم. این تعارف به معنای شناخت متقابل است و علاوه بر اینکه ریشه قرآنی دارد، زمینه ارتباطی صمیمانه و صادقانه را فراهم می‌کند.

به نظر شما، کلمه «بی تعارف» چه معنایی دارد و آیا کاربرد فعلی این کلمه با توجه به معنای لغوی و یافته‌های مردم‌شناسی صحیح است؟

چرا جامعه‌شناسی انتقادی مخالف داوری ارزش‌ها بیرون از دایره علم است؟

علوم اجتماعی و سیاست هويت

هدف رویکرد انتقادی از حفظ ظرفیت آگاهی بخشی برای علوم اجتماعی چیست؟

رفیق یا رقیب رویکرد انتقادی

در درس گذشته آموختید که جامعه‌شناسی انتقادی ریشه در رویکرد تفسیری دارد ولی به دنبال ملاک‌هایی برای داوری علمی درباره ارزش‌ها و هنجارها است و نمی‌خواهد به این وضعیت تن دهد که داوری ارزش‌ها، بیرون از دایره علم صورت گیرد، زیرا در آن صورت سرنوشت ارزش‌ها به مناسبات قدرت و ثروت سپرده می‌شود و همواره ارزش‌های غالب در زندگی اجتماعی، ارزش‌های ثروتمندان و قدرتمندان خواهد بود. رویکرد انتقادی می‌خواهد ظرفیت افشاگری و رهایی بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد و این نقش را در نقد روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌بیند و انتظار دارد علوم اجتماعی با تشخیص و افشای سلطه در مناسبات

انسانی، به رهایی انسان کمک کند. خرداد ۱۴۰۳ شهریور ۱۴۰۲

اما از درون رویکرد تفسیری، حرمانات دیگری نیز شکل می‌گیرد که چنین کارکردی را برای علوم اجتماعی ناممکن می‌شمارد و راه رهایی انسان را نه از درون علم، که در بیرون علم جست‌وجو می‌کند و معتقد است خود علم با «درست و غلط دانستن» و «خوب و بد کردن امور» سلطه‌گری

شهریور ۱۴۰۱

خرداد ۱۴۰۲

شهریور ۱۴۰۳

می‌کند؛ زیرا «خوب» را به معنای خوب بودن برخی افراد و گروه‌ها و «بد» را بد بودن برخی دیگر از آنان فلامداد می‌کند. ز این منظر، علم چراغی نیست که تاریکی‌ها را روشن کند و موانع را از پیش پای انسان بردارد. آنچه تا امروز به نام علم و دانش جهان شمول مطرح بود صرفاً ابزار عده‌ای

برای سرکوب عده دیگری بود سرگذشت دانش همانند سرگذشت قدرت و ثروت، تاریخ سرکوب انسان بوده است. بشر همواره به سرکوبی که از طریق قدرت و ثروت صورت می‌گرفت حساس بود و اکنون متوجه سرکوبی‌ای است که به وسیله دانش اعمال می‌شود و دیگر به آن تن نمی‌دهد.

چرا رویکرد تفسیری امکان کارکرد آگاهی بخشی برای علوم اجتماعی را رد می‌کند؟

با توجه به رویکرد تفسیری از علم چه تعبیری شده است؟

این دیدگاه که هر فرهنگ و هویتی می تواند نظریه های متناسب با خود را تولید کنند چگونه قابل نقد است؟
دومین هشدار که از درون رویکرد تفسیری به وجود آمد چه هشدار به جامعه شناسان می دهد؟

عبور از علم

همگی چنین جمله‌هایی را شنیده‌اید که: «مگه در و دیواره؟ چرا می گی این؟ «این» که می گی اسم داره!» اسم داشتن، از هویت داشتن و انسان بودن حکایت می کند. **مروزه شبیه این هشدارها** به جامعه‌شناسان داده می شود که شما «اشیا» و «ابزار» را بررسی نمی کنید. شما اشخاص، جوامع و فرهنگ‌ها را مطالعه می کنید که هویت دارند؛ شما در مورد هویت‌ها و ارزش‌ها سخن می گوید و در حال قضاوت و تغییر آنها هستید. شما همواره درگیر **سیاست هویت** هستید و پیوسته برخی را تحسین و برخی دیگر را تحقیر می کنید. شما از چشم فرهنگی و هویتی به فرهنگ‌ها و هویت‌ها می نگرید نه از منظری جهان شمول که به همه هویت‌ها و فرهنگ‌ها با یک چشم نگاه می کند. شما همواره مشغول پیش بردن برخی فرهنگ‌ها و هویت‌ها و پس راندن برخی دیگر هستید.

در این رویکرد، بخشی از یک حقیقت مغفول، آشکار می شود. هر نظریه‌ای درون فرهنگ و تاریخ خود تولید می شود و هر فرهنگ و هویتی می تواند نظریه‌های متناسب با خود را تولید کند. **دی ۱۴۰۱**

از این رو هیچ فرهنگ و هویتی نمی پسندد که موضوع نظریه‌هایی باشد که در زمینه فرهنگی و تاریخی دیگری شکل گرفته‌اند. هر گروه، جامعه و فرهنگی می خواهد از چشم خودش به خود

بنگرد و نه از چشم دیگران. پیدایش نظریه فمینیستی معاصر، نظریه آفریقایی تبار، نظریه آمریکایی بومی و... در علوم اجتماعی امروز، نتیجه چنین مطالبه و درخواستی‌اند **این گروه‌ها می گویند**

انچه تا امروز به اسم علوم اجتماعی به مطالعه گروه‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها می پرداخت، دانشی جهان شمول نبود بلکه روایت آن چیزی بود که مردان سفیدپوست اروپایی می پنداشتند و هویت زنان، رنگین پوستان و غیراروپاییان را نادیده می گرفت.

بی شک به حاشیه راندن و حذف هویت‌های انسانی و فرهنگی پدیده ناپسندی است و مخالفت با این امر ناپسند و مبارزه با آن، ارزشمند است. اما این سکه روی دیگری هم دارد. گاهی تأکید بر تنوع و تکثر هویت‌ها و اصالت بخشیدن به آن به معنای انکار اشتراک و وحدت انسان هاست و فرصت گفت‌وگو و معارفه انسان‌ها و فرهنگ‌ها را از بین می برد.

اگر ادعا شود دانش، تماماً محصول شرایط اجتماعی و فرهنگی است و جوامع و فرهنگ‌ها نیز متفاوت‌اند - تازه درون هر جامعه‌ای گروه‌های مختلف وجود دارند و درون هر گروهی افراد مختلف وجود دارند - و هر گروه، جامعه و فرهنگی نیز دانش خاص خود را تولید می کند؛ چگونه می توان گفت که دانش و شناختی، بهتر از شناخت دیگری است؟ چگونه می توان میان شناخت‌های مختلف داوری کرد و شناخت صحیح را تشخیص داد. می بینید که پایبندی کامل به این رویکرد، امکان شناخت واقعی را از انسان‌ها می گیرد و قطعاً رویکردی که اساس دانش را انکار می کند نمی تواند قابل قبول باشد.

چرا پایبندی به رویکرد تفسیری در جایی که اساس دانش را انکار می کند، قابل نقد است؟
علت پیدایش نظریه فمینیستی معاصر در علوم اجتماعی امروز چیست؟

نظریه فمینیستی معاصر، نظریه آفریقایی تبار و ... چه مطالبه و درخواستی داشتند؟

■ افق کاروان اندیشه بشری

به نظر شما چرا امروزه چنین دیدگاهی رواج می‌یابد؟ کدام‌یک از ظرفیت‌های بشری بی‌استفاده مانده است که چنین دیدگاهی رایج می‌شود؟ انسان امروز چه پل‌هایی را پشت سر خود خراب کرده است که تشخیص درست و غلط؛ خوب و بد و مفید و مضر را این‌گونه محل اختلاف و نزاع می‌بیند؟ آیا تنها امکان پیش روی بشر این است که در کثرت‌ها و تفاوت‌ها گم گردد و از نسبی‌گرایی سر درآورد و بپذیرد که هیچ ملاکی برای داوری و تشخیص درست و غلط وجود ندارد یا راهی برای برون‌رفت از این نزاع و امکانی برای درک تفاوت‌ها و شباهت‌های افراد، گروه‌ها و جوامع وجود دارد؟ آیا چنین وضعیتی، سرنوشت همه انسان‌ها و جهان‌های اجتماعی است؟ به نظر شما، چه امکانی پیش روی ما و جهان اجتماعی ما وجود دارد؟



مقایسه کنید

با توجه به مطالبی که در درس‌های گذشته آموختید جدول زیر را تکمیل کنید و بر این اساس سه نوع جامعه‌شناسی تبیینی، تفسیری و انتقادی را با هم مقایسه کنید.

انتقادی	تفسیری	تبیینی	نوع معیار
کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن	کنش‌های اجتماعی و معنای آن‌ها	پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی هستند.	چه چیزی را مطالعه می‌کند؟ (موضوع)
تفسیری، انتقادی، تجویزی	نگاه از درون به پدیده‌ها برای یافتن معنی آن‌ها	حس و تجربه	چگونه مطالعه می‌کند؟ (روش)
انتقاد از وضع موجود، تجویز وضع مطلوب و راه رسیدن به آن	معنا بخشی و انسجام بخشی به زندگی اجتماعی	پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی	چه هدفی را دنبال می‌کند؟ (هدف)

مفاهیم اساسی

– سیاست هویت

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– دو مدل همانندسازی و تکثرگرا به تنازع‌های هویتی
دامن می‌زنند و در مقابل الگوی تعارف قرار می‌گیرند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....